

مردم‌شناسی دینی و مطالعات ایرانی

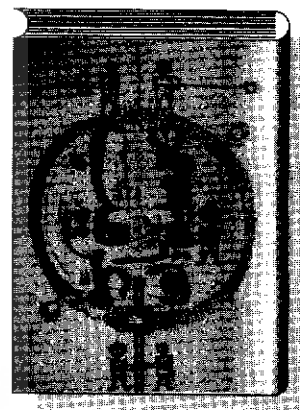
● علیرضا حسن‌زاده

عضو هیئت علمی و مدیر گروه آیینی

پژوهشکده مردم‌شناسی

مطالعات مردم‌شناسی متقدم چون فرهنگ ابتدایی (تایلر)، شاخه زرین (فریزر) و جامعه باستان (مورگان) بر آن بوده‌اند تا مفهوم «متافیزیک» از منظر اقوام ابتدایی و چگونگی حیات دینی آنان را شناسایی کنند، از این روی بخشی قابل توجه از ادبیات مربوط به این آثار به بررسی جادوگری، جادوگران، شمن‌ها، ساحره‌ها، جادو - پزشکان، شاه - کاهنان و جز آن اختصاص دارد و چگونگی سلسله مراتب اجتماعی - کیهان‌شناسی قومی و وحدت روانی جوامع در آنها مطالعه و بررسی می‌شود. در این آثار رابطه انسان (anthropos) و خدا (Theos) در زمینه و بستر فرهنگ مطالعه می‌شود.

بسیاری از انسان‌شناسان برای مطالعه صور ابتدایی حیات دینی از اسطوره‌شناسی آغاز کرده‌اند. ماکس مولر به کاربردهای استعاری و تمثیلی زبان در قالب یک بیماری اشاره دارد. و ژرژ دومزیل به کمک ساختار سه‌گانه جهان‌شناسی اقوام آریایی و نظام خدایگانی آنان می‌کوشد به درک ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع هند و اروپایی دست یابد. تایلر در فرهنگ ابتدایی ضمن تأکید بر نظام‌های دوقطبی موجود در طبیعت و نقش آن در شکل‌گیری باورهای متافیزیکی، حرکت و درک متافیزیک از جان‌گرایی به سمت چندخدایی و از آن به سوی یک‌خدایی را مطرح می‌سازد و این در حالی است که فریزر از سه نظام جادو، دین و علم نام می‌برد. لوی برول متأثر از داروین‌سیسم اجتماعی طرح ذهن پیش‌منطقی و منطقی را مطرح می‌سازد و دیدگاه او با آرای لوی اشتروس در رد طرح نظام دوگانه منطقی و پیش‌منطقی به شدت نقد می‌گردد. اشتروس نشان می‌دهد که نظام‌های دوقطبی موجود در ذهن بومیان نیز به همان اندازه ذهن موجود در جوامع شهری و مدرن منطقی و نظام یافته‌اند. در این میان باید به آثار دین‌پژوهی



- تعمیدیان غریب
- مهرداد عربستانی
- پژوهشکده مردم‌شناسی و نشر افکار
- بهار ۱۳۸۴

یکی از زیرشاخه‌های مردم‌شناسی که نخستین مطالعات مردم‌شناسی جهان را در قالب کار میدانی، کتاب، مقاله و مانند آن در بردارد، مردم‌شناسی دینی است. این مطالعات از صورت‌های متقدم خود تا پژوهش‌های میانی و سپس تحقیقات متأخر و جدید، نام مردم‌شناسان و دین‌پژوهان برجسته‌ای چون تایلر، فریزر، مورگان، پریچارد، الیاده، دورکیم، اشسمیت، برول، ویر، گیرتز، ترنر، داگلاس و ... را شامل می‌شود. از سوی دیگر بسیاری از مفاهیم مهم و کلیدی چون تابو (taboo)، آنیمسیم (animism)، آنیماتسیم (animatism)، فیتیشسیم (fetishism) و مانا (Mana) ماحصل ثبت‌ها و تتبعات این اندیشمندان و مردم‌شناسان است.



در مردم‌شناسی مورد مطالعه واقع می‌شود. این امر به ویژه در نقش آیین‌ها و شعائر دینی در پیوند اجتماعی و شکل‌بخشی به هویت گروهی و جمعی متجلی است. دین در تعریف هویت نقشی عمده بازی می‌کند و این را نه تنها در همه صورت‌های متقدم چون مهاجرت‌های دینی (پیلیگرم‌ها به آمریکا و...)، مقاومت‌های اجتماعی (معنزه، پیلیگرم‌ها) می‌بینیم که حتی نقش دین در الهیات از ادبیات عصر جدید نیز آشکار و متجلی است و یکی از مهم‌ترین کارکردهای دین، هویت‌بخشی آن است.

اقوام دینی ایران

ایران دارای هویت‌هایی است که در زیرمجموعه هویت ملی تعریف می‌شوند، هویت‌های قومی - زبانی و هویت‌های قومی - دینی از این شمارند. تکرر عوامل وحدت‌بخشی که علی‌رغم گوناگونی زبان‌ها و ادیان، همبستگی هویت‌ها و پیوند و گره‌خوردگی آنها را تضمین می‌کند.

در این چشم‌انداز عوامل رسمی و غیررسمی چون تاریخ، آیین، ادبیات، اسطوره و دولت چنان قوی‌اند که مانع از افتراق اقوام ایرانی از یکدیگر می‌شوند. این عوامل دارای چنان نیروی وافر و چشمگیری بوده‌اند که هرگز در تاریخ ایران شاهد ژنوساید یا کنوساید نظام یافته نیستیم و اقوام دارای کمترین اصطکاک با یکدیگر بوده‌اند. کلیمیان، زرتشتیان، آشوریان، ارمنیان و صابئین اقوام دینی ایران، به شمار می‌آیند که عوامل وحدت‌بخش میان آنها و فرهنگ ایرانی بسیار است. برای نمونه نه تنها جغرافیای تاریخی ایران، که مدفن پیامبران یهودی است، پیوند کلیمیان را با فرهنگ ایرانی گسست‌ناپذیر می‌سازد که ادبیات عبری - فارسی با نخبگانی چون مولانا عمران (شاعر معروف کلیمی که از سبک شعری حافظ در شعرهایش الهام گرفته است)، نمونه‌هایی

چون صور ابتدایی حیات دینی از امیل دورکیم اشاره داشت که با طرح موضوعاتی چون مقدس و نامقدس و کارکردهای اجتماعی دین بر مردم‌شناسانی چون مارسل موس تأثیر بسیار می‌نهد. بی‌شک نقش میرچا الیاده و تعریف کلیدی او از امر قدسی و تدوین دایره‌المعارف ادیان را نباید به فراموشی سپرد، آنچه به سهم خود بر ادبیات مردم‌شناسی دینی تأثیر می‌نهد. مطالعات بالاندیه و گلوکمن بر آیین‌های مردم آفریقا طرح موضوع اسطوره قدرت (بالاندیه) و آیین‌های طغیان (گلوکمن)، نیز به همان پایه دارای اهمیت است. اما دهه ۸۰ و ۹۰ اوج پارادایم و شاخه مردم‌شناسی نمادین با حضور مردم‌شناسانی چون داگلاس، ترنر و اشنایدر است.

ترنر با تأثیرپذیری از ون ژنپ بر مبنای نظریه آیین‌گذار به طرح موضوع و نظریه مرحله‌آستانه‌ای می‌پردازد و به کمک شناخت نظام نمادین آیین‌ها و شعائر دینی سعی در فهم رفتارهای آیینی و دینی می‌کند. از سوی دیگر گیرتز بر مبنای رویکرد هرمنوتیک، تفسیر و مردم‌شناسی تفسیری به مطالعه ادیان مختلف به ویژه اسلام می‌پردازد و داگلاس موضوع تابو را در کتاب پاکی و خطر به طور گسترده شعائر، آیین‌ها، اعتقادات، نظام‌های غذایی و ... می‌پژوهد. در مردم‌شناسی متأخرتر با نزدیکی مردم‌شناسی دینی و ورزش روبه‌رو هستیم، به گونه‌ای که جایگاه ورزش‌هایی چون فوتبال از منظر یک احساس و فهم متفاوتیکی مورد بحث واقع می‌شود.

با این شرح آنچه در مردم‌شناسی دینی اهمیت بسیار دارد، قوم‌نگاری تجربه دینی است و به دلیل ویژگی خاص این تجربه است که روش emic یا درک درونی اهمیت بسیار دارد. تجربه دینی و تأثیر آن در پیوند میان دین و هویت اجتماعی و فرهنگی

در فصل دوم، کیهان‌شناسی مندایی و نظام باورهای متافیزیکی آن در چهار عنوان مراتب موجودات، جغرافیای کیهانی، سناریوی کیهانی، آفرینش و آخرت، اجرام آسمانی بررسی و تحلیل می‌شود.

فصل سوم کتاب به وجوه فقهی رفتارهای دینی و آیینی قوم مندایی اختصاص دارد و در ۵ عنوان ۱- پردنبا آب جاری، آب زنده ۲- تعمید ۳- طماشه: غسل ۴- رشامه: وضوی مندایی ۵- تأملی در پاکسی و ناپاکی و قواعد آن مطالعه می‌شود. فصل چهارم کتاب جامعه دولایه: سلسله مراتب دینی مندایی نام دارد و در بردارنده نگاه اتنوگرافیک عربستانی به ساختار دین مندایی است در این بخش سازمان مذهبی روحانیت مندایی، مراتب دینی آن را در دو بخش مراتب دینی در جامعه مندایی و هجرت از تاریکی به نور: نگاهی به مناسک انتصاب روحانیان آورده است.

فصل پنجم کتاب، مناسک گذر مندایی را مورد پژوهش قرار می‌دهد و در ۵ عنوان ۱- مرثا: حصاری برای انتقال ۲- تولد: ورود خون‌آلود از جهان اثیری به جهان مادی ۳- ازدواج: نورانیت تولیدمثل و ظلمانیت ارتباط جنسی ۴- مرگ: حرکت از جهان مادی به جهان اثیری ۵- گذر به سال نو: جهان بی‌حفاظ، به طرح موضوع می‌پردازد. در واپسین فصل کتاب با عنوان صابئین مندایی: دین‌ورزی و امر اجتماعی سه سرفصل بازمی‌شود: ۱- امکانات معیشت: صنعت گران شهری ۲- دین‌ورزی شکل‌گرا: دغدغه‌های هویت. ۳- خطمشی اجتماعی.

بی‌شک کتاب در چارچوب مردم‌شناسی دینی دارای ساختاری منسجم و کارآمد است و مؤلف، توش و توان قابل قبول خود را در طبقه‌بندی وقایع و مضامین و مسائل صابئین نشان می‌دهد. کتاب تا فصل ششم به کمک متون مندایی و گفت‌وگو با مطلعان و آگاهان به آن، سعی می‌کند به معرفی جهان‌بینی، کیهان‌شناسی، شاعر و آیین‌های این قوم - دین بپردازد. اما از فصل چهارم مباحث کتاب شکلی مردم‌شناختی‌تر می‌یابد و با تأمل و تحلیل نظام دینی مندایی همراه است. مباحثی که مؤلف در تحلیل دین‌ورزی صابئین می‌گشاید، چشم‌اندازهای ژرف و خلاق از گفت‌وگوی انتقادی را می‌گشاید. در اینجا من به سهم خود بدون آنکه قصد کاستن از ارزش‌های فراوان کتاب را داشته باشم، پرسش‌هایی را در برابر آن می‌نهم.

مؤلف ضمن اشاره به ارتباط دین مندایی با سنت گنوسی، آن

از گره ناگشودنی هویت درهم بافته فرهنگ ایرانی و فرهنگ کلیمی - ایرانی است. مطالعه هویت‌های قومی - زبانی و قومی - دینی به ویژه از این منظر درخور اهمیت فراوانی است. نگاه به این هویت‌ها باید فرهنگی باشد نه سیاسی و امنیتی. آثاری که درباره هویت‌های قومی - دینی در ایران نوشته شده کمتر جنبه اتنوگرافیک دارد و این در حالی است که همچنان که اشاره شد، مردم‌شناسان تجربه دینی را یک تجربه درونی می‌دانند و دین را از درون قابل فهم می‌شمرند. به این دلیل ما اغلب با مطالعات درون دینی که به خامه روحانیان این ادیان نوشته شده رو به روییم که گاه تجربه دینی را در متون فقهی و آسمانی خود محدود می‌سازند و زوایایی چون آیین‌ها را از نظر دور می‌دارند. کتاب تعمیدیان غریب که با رویکرد اتنوگرافیک به مطالعه قوم

دینی صابئین می‌پردازد، از این صورت پژوهشی فاصله می‌گیرد و از طریق گفت‌وگو با مطلعان و مخبران و مشاهده مشارکتی می‌کوشد از دو منظر امیک و اتیک هویت دینی و کیهان‌شناسی آیینی صابئین را شناخته و آن را گزارش کند.

دین‌پژوهی مندایی

دین‌پژوهی مندایی در زبان فارسی بیشتر آثار

درون دینی‌ای را دربر دارد که به شرح اصول فقهی و مبانی دینی دین مندایی می‌پردازد. آن چنان که مؤلف کتاب نشان داده است آثاری چون قوم از یاد رفته، کاوشی بر روی قوم صابئین مندایی (سلیم برنجی)، صابئین مندایی و یحیی تعمیددهنده و صابئین مندایی (پرویز تعجیل‌زاده)، تحقیقی در دین صابئین مندایی (مسعود فروزنده) اینانی (کتاب نماز) (مسعود فروزنده) از این شمار آثارند.

مؤلف از طریق گفت‌وگو با مطلعان (informants) و مرور متن‌های مندایی در کتاب تعمیدیان غریب چگونگی دین‌ورزی این قوم را نشان می‌دهد. کتاب نخست در یک فصل کلی به تعریف موضوع، روش و مفاهیم اساسی مطرح در پژوهش خود می‌پردازد و ادبیات تحقیقی مربوط به دین مندایی را مرور می‌نماید. سپس در فصل اول با عنوان اسطوره تا تاریخ در سه عنوان روایات دینی، روایات آغازها، متن دینی به مثابه سند تاریخی، و مسلمانان همسایگان تاریخی می‌کوشد ضمن مرور متن‌های بنیادی این دین و افسانه‌ها و اسطوره‌های آن، به شرح تاریخی زندگی این قوم در دوره فرهنگی و جغرافیایی زیست آن بپردازد.

می‌باید، آنچه به نظر می‌رسد کتاب در کنار همه اطلاعات دقیق خود از دین‌مندی، می‌باید به آن نیز می‌پرداخت تا هیئتی کامل از دین‌ورزی گنوستیک آیین‌مندی ارائه دهد، مقایسه ساختار آن با آیین‌های گنوستیک دیگر در ایران چون مانویت است. فشار ادغام‌گرایی که مهرداد عربستانی از آن یاد می‌کند تنها به سده معاصر بازمی‌گردد و با توجه به کهنگی و کهن‌سالی دین‌مندی بسی دیرین سال است. در این حالت فشار برای همگون‌سازی و همانندسازی از چه نوع بوده است؟ جدا نگه داشتن مندائیان از جامعه کل به عنوان دگردینان یا کوشش در تغییر دین و مسلک آنان در پهنه چنین کاوشی است که مناسبت دین‌مندی با ساختار قدرت و تقابل یا تعامل آنان با ادیان همسایه روشن می‌شود.

همچنان که در ابتدا گفته شد با توجه به تنوع حوزه‌های فرهنگی وحدت‌گرایی ایرانی گشودن ژرف و شفاف هویت قومی - زبانی یا قومی - دینی اقوام ایرانی در پیوند با کلیت فرهنگ ملی بسیار مهم می‌نماید. این در حالی است که به قول مردم‌شناسان دین در آیین‌ها می‌توان به نشانه‌های وحدت روانی اقوام رسید. ارزش و اهمیت بلندپایه آب در دین‌دین صابئین، اهمیت و ارزش آب را در ادیانی چون زردشتی، مانویت و... به یاد می‌آورد، عناصر همگون دین‌مندی و ادیان همسایه آن، تا چه پایه وحدت روانی و سازواری آنها را موجب شده و می‌شود؟ آنچه در پایان به عنوان سؤال می‌توان مطرح ساخت، روش اتنوگرافی در تحقیق تعمیدیان غریب است. تا چه حد اسناد کتاب بر پایه مشاهده میدانی است و آیا سازمان‌های طراح پروژه‌های تحقیقی مردم‌شناسی چون پژوهشکده مردم‌شناسی نمی‌باید، حمایت کامل و کافی از محقق، حضور یک سائله او در میدان و زمین را ممکن سازند؟ متأسفانه روش اتنوگرافی در ایران برخلاف همه جای دنیا مواد آن بیش از پیش به حافظه مخبران و مطلعان متکی است که امکان باز تولید یا عدم کارآمدی حافظه و تخریب مواد و اطلاعات وجود دارد. روش قوم‌نگاری در مردم‌شناسی دینی که متکی به شناخت تجربه درونی - برونی دینی است، اهمیتی صدچندان دارد. آنچه گفته آمد از باب کاستن از ارزش کتابی نیست که جایگاه مطالعات مردم‌شناسی دینی در ایران را، به‌خصوص با توجه به فقر متن آن، ارتقا بخشیده است، بلکه پرسش‌ها و چالش‌های منتقد در نگاهی شتاب‌آلود به کتاب بوده است. برای مردم‌شناس جوان و توانای کتاب تعمیدیان غریب آرزوی نشر آثار بهتر را می‌نمایم.

را در پیوند با ادیانی چون اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشتی می‌داند. اما این ارتباط و همسایگی را چندان نمی‌گشاید. این در حالی است که رابطه تغلی اقوام همجوار مندائیان یکی از مفاهیم کلیدی مؤلف در تحلیل وضعیت کنونی آیین‌مندی است که وی از آن با عنوان نگرانی درباره حفظ هویت قومی / دینی و در کمینگی ماندن دین‌مندی یاد کرده و از پی آن به شکل‌گرایی دین‌ورزی و عدم تبدیل mythos به Loghos اشاره می‌کند. از یک سو بدیهی است که چنین ایده‌ای می‌باید در مطالعه‌ای دقیق و به کمک اسناد تاریخی نمایان شود، از سوی دیگر باید پرسید که آیا در سایر ادیان ایرانی چون زرتشتی mythos به loghos تبدیل گردید؟ و تعبیر از لوگوس در اینجا آیا شکل یونانی آن و مفهومی است که اندیشمندی چون کاسیرر در پیشرفت

فلسفه سیاسی یونان به آن نظر دارند و گروهی از محققان چون نویسنده کتاب خرد مزدایی جهان‌بینی ایرانی را فاقد آن می‌دانند؟ در این حال از قول این محققان می‌توان گفت که سایر ادیان ایرانی نیز (زرتشتی، مانویت، مزدکی و...) به چنین موقعیتی دست نیافتند. از سوی دیگر شکل‌گرایی دین‌ورزی مندایی در حالی مورد اشاره قرار می‌گیرد که گنوسیسم به مراتب کمتر از سایر نحله‌های دینی و آیینی شکل‌گراست و خود تبدیل به تفکری جهان‌گرا و عرفانی می‌گردد. گنوسیسم مبتنی بر درونگرایی قومی نیست حال آن که تفکر مندایی چنین درونگرایی را نشان می‌دهد. این گره از درک دین‌ورزی صابئین چندان باز نمی‌شود.

توجه به اسناد تاریخی و شرح چگونگی همجواری آیین‌مندی با سایر ادیان ایرانی در طول تاریخ می‌توانست بسیار راهگشا باشد. اما کتاب آن چنان که باید به این مسئله توجه نمی‌کند. به نظر می‌رسد که آیین‌مندی به دلیل رویکرد گنوستیکی خود، در ساختار قدرت کلی، که آن را در طی قرون پوشانیده است، مشارکت و سهمی ندارد و این متون دینی آن را از کدهای سیاسی قدرت خالی می‌کند و تفسیر قدرت مداری که مؤلف آن را با عنوان عقلانیت جست‌وجو می‌کند، در آن شکل نمی‌گیرد. این در حالی است که آیین‌های همسایه مندائیت نیز شکل‌گرا هستند و برای نمونه می‌توان به دین قومی - ملی زرتشتی اشاره کرد. اما آیین‌هایی از نوع زرتشتی پیوندی تنگاتنگ با قدرت دارند و به این دلیل قدرت را تقدیس می‌کنند و دارای تفسیر سیاسی شده و تفسیر سیاسی در آنها چون فتاوی کریتیر کاربرد سیاسی

